

اشعیا ایش 5

- 1 سرود محبوب خود را دربارهٔ تاکستانش برای محبوب خود بسرایم. محبوب من تاکستانی در تلی بسیار بارور داشت،
- 2 و آن را کنده از سنگها پاك کرده و مو بهترین در آن غرس نمود و برجی در میانش بنا کرد و چرخستی نیز در آن کند. پس منتظر می‌بود تا انگور بیاورد؛ اما انگور بد آورد.
- 3 پس الان ای ساکنان اورشلیم و مردان یهودا، در میان من و تاکستان من حکم کنید.
- 4 برای تاکستان من دیگر چه توان کرد که در آن نکرده‌ام؟ پس چون منتظر بودم که انگور بیاورد، چرا انگور بد آورد؟
- 5 لهذا الان شما را اعلام می‌نمایم که من به تاکستان خود چه خواهم کرد. حصارش را برمی‌دارم و چراگاه خواهد شد؛ و دیوارش را منهدم می‌سازم و پایمال خواهد گردید.
- 6 و آن را خراب می‌کنم که نه پازش و نه کنده خواهد شد و خار و خس در آن خواهد رویید، و ابرها را امر می‌فرمایم که بر آن باران نباراند.
- 7 زیرا که تاکستان یهوه صباوت خاندان اسرائیل است و مردان یهودا نهال شادمانی او می‌باشند. و برای انصاف انتظار کشید و اینک تعدی و برای عدالت و اینک فریاد شد.

رومیان ایش 11

- 25 زیرا ای برادران نمی‌خواهم شما از این سرّ بی‌خبر باشید که مبدا خود را دانا انگارید که مادامی که پری امت‌ها درنیاید، سخت‌دلی بر بعضی از اسرائیل طاری گشته است.
- 26 و همچنین همگی اسرائیل نجات خواهند یافت، چنانکه مکتوب است که از صهیون نجات دهنده‌ای ظاهر خواهد شد و بی‌دینی را از یعقوب خواهد برداشت؛
- 27 و این است عهد من با ایشان در زمانی که گناهانشان را بردارم.
- 28 نظر به انجیل بجهت شما دشمنانانده، لکن نظر به اختیار به‌خاطر اجداد محبوبند.
- 29 زیرا که در نعمتها و دعوت خدا بازگشتن نیست.
- 30 زیرا همچنان که شما در سابق مطیع خدا نبودید و الان به‌سبب نافرمانی ایشان رحمت یافتید،
- 31 همچنین ایشان نیز الان نافرمان شدند تا بجهت رحمتی که بر شماست بر ایشان نیز رحم شود
- 32 زیرا خدا همه را در نافرمانی بسته است تا بر همه رحم فرماید.

متی ایش 21

- 28 لیکن چه گمان دارید؟ شخصی را دو پسر بود. نزد نخستین آمده، گفت، ای فرزند امروز به تاکستان من رفته، به کار مشغول شو.
- 29 در جواب گفت، نخواهم رفت. اما بعد پشیمان گشته، برفت.
- 30 و به دومین نیز همچنین گفت. او در جواب گفت، ای آقا من می‌روم. ولی نرفت.
- 31 کدام یک از این دو خواهش پدر را بجا آورد؟ گفتند، اولی. عیسی بدیشان گفت، هرآینه به شما می‌گویم که باجگیران و فاحشه‌ها قبل از شما داخل ملکوت خدا می‌گردند،
- 32 زانرو که یحیی از راه عدالت نزد شما آمد و بدو ایمان نیاوردید، اما باجگیران و فاحشه‌ها بدو ایمان آوردند و شما چون دیدید، آخر هم پشیمان نشدید تا بدو ایمان آورید.
- 33 و مثلی دیگر بشنوید، صاحب خانه‌ای بود که تاکستانی غرس نموده، خطیرهای گردش کشید و چرخستی در آن کند و برجی بنا نمود. پس آن را به دهقانان سپرده، عازم سفر شد.
- 34 و چون موسم میوه نزدیک شد، غلامان خود را نزد دهقانان فرستاد تا میوه‌های او را بردارند.
- 35 اما دهقانان غلامانش را گرفته، بعضی را زدند و بعضی را کشتند و بعضی را سنگسار نمودند.
- 36 باز غلامان دیگر، بیشتر از اولین فرستاده، بدیشان نیز به همانطور سلوک نمودند.
- 37 بالاخره پسر خود را نزد ایشان فرستاده، گفت، پسر مرا حرمت خواهند داشت.
- 38 اما دهقانان چون پسر را دیدند با خود گفتند، این وارث است. بیایید او را بکشیم و میراثش را ببریم.
- 39 آنگاه او را گرفته، بیرون تاکستان افکنده، کشتند.
- 40 پس چون مالک تاکستان آید، به آن دهقانان چه خواهد کرد؟

**41** گفتند، البتّه آن بدکاران را به سختی هلاک خواهد کرد و باغ را به باغبانان دیگر خواهد سپرد که میوه‌هایش را در موسم بدو دهند.

**42** عیسی بدیشان گفت، مگر در کتب هرگز نخوانده‌اید این که سنگی را که معمارانش ردّ نمودند، همان سر زاویه شده است. این از جانب خداوند آمد و در نظر ما عجیب است.

**43** از این جهت شما را می‌گویم که ملکوت خدا از شما گرفته شده، به امتی که میوه‌اش را بیاورند، عطا خواهد شد.

**44** و هر که بر آن سنگ افتد، منکسر شود و اگر آن بر کسی افتد، نرمش سازد.